

تأثیر آرای دیوان اروپایی حقوق بشر بر نظام‌های حقوقی داخلی دولت‌های عضو (مقاله علمی-پژوهشی)

سید قاسم زمانی*
سید علی حسینی آزاد**
مجید زحمتکش***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۴

چکیده

دیوان اروپایی حقوق بشر که بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پای به عرصه وجود نهاد، مرجع نظارتی بر حقوقی است که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای اتباع دول عضو کنوانسیون به رسمیت شناخته شده است. دعاوی مطروحه نزد دیوان در طول حیات پنجاه و اندی ساله‌اش، بیشتر در شکل دعاوی افراد علیه دولت‌ها بوده است. این امر باعث شده که دولت‌ها با مجموعه تصمیمات حقوق بشری مواجه شوند که هم‌سویی با آن‌ها برای دولت‌های مزبور الزامی بوده است. از این رو، دیده می‌شود که دیوان قادر است نظر به جایگاه و اختیاراتی که دارد، موجب اثرگذاری بر نظام‌های داخلی کشورهای عضو شود. دیوان مزبور تأثیراتی را از حیث ساختاری، نهادی، قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی بر نظام حقوق بشر داخلی کشورهای عضو شورای اروپا نهادده است. هرچند میزان اثرگذاری کیفی دیوان بر ارتقا نظام حقوق بشر داخلی قابل انتقاد به نظر می‌رسد، از حیث هنجاری، دیوان تأثیرات شگرفی را بر کارایی مقررات کنوانسیون در نظام‌های داخلی گذاشته و از این جهت، موجبات پویایی و کارآمدی هرچه بیشتر سند مزبور را فراهم آورده است.

کلیدواژگان:

دیوان اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، شورای اروپا، مراجع منطقه‌ای حقوق بشری

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

drghzamani@gmail.com

** دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)

saha_110@yahoo.co.uk

*** دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد؛ ایران

majid.zahmatkesh@hotmail.com

مقدمه

دولت‌های اروپایی در نیمه قرن بیستم طلایه‌دار پیشی بودند که حاصل آن ظهور هنجارهای اعلامیه جهانی حقوق بشر در هیئتی الزام‌آور بود. هنوز دو سال از تصویب آن اعلامیه از سوی مجمع عمومی ملل متحد نگذشته بود که ساکنان قاره سبز سودای برپایی نظامی الزام‌آور با تکیه بر حقوق مندرج در اعلامیه در سر داشتند. فرجام تلاش‌ها و اقدامات آن‌ها، تصویب کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^۱ یا کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ بود. این سند در سال ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا شد و طی ۶۸ سال، همواره مورد ارزیابی و اصلاحاتی قرار گرفته است. این اصلاحات در قالب پروتکل‌های الحاقی (۱۶ پروتکل تاکنون) به کنوانسیون ضمیمه شده است.

از ارمغان‌های خجسته کنوانسیون مزبور، بنیاد نهادن دادگاهی حقوق بشری در میان اعضای شورای اروپا بود. بخش دوم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به خلق نهادی نظارتی اختصاص دارد که در شکل دادگاه دائمی ظهور می‌کند و پاسبان حق‌های بشری افراد است. دیوان اروپایی حقوق بشر^۲ که در سال ۱۹۵۹ تأسیس شد، از صلاحیت بررسی تمام امور ناشی از اجرا و تفسیر کنوانسیون (ماده ۳۲ کنوانسیون) و همچنین رسیدگی به دعاوی بین دولتی در خصوص نقض هر یک از مقررات کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی (ماده ۳۳ کنوانسیون) و دعاوی مطروحه از جانب اشخاص برخوردار است.

کارویژه‌های دیوان اروپایی حقوق بشر با کمیسیون اروپایی حقوق بشر^۳ به موجب پروتکل شماره ۱۱ الحاقی^۴ و به منظور بالابردن اطمینان خاطر در رسیدگی به حجم عظیمی از پرونده‌های مطروحه نزد این دو نهاد، به شکل دادگاهی واحد ادغام شد.^۵ در واقع، از سال ۱۹۹۸ نهاد کمیسیون که قبلاً در کنار دادگاه در جایگاه نهاد مقدماتی دریافت شکایات و ادعاهای نقض

1. The Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (ECHR)

2. European Court of Human Rights (ECtHR)

3. European Commission of Human Rights (ECmHR)

4. Protocol No. 11 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, restructuring the control machinery established thereby, Strasbourg, 11/05/1994, entry into force: 01/11/1998

۵. زمانی، سید قاسم، سیدعلی حسینی آزاد، «تأملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لیلا شاهین»، *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، شماره ۶، ۱۳۹۳، صص. ۴۲ - ۴۲.

کنوانسیون فعالیت می‌کرد، برچیده شد و دسترسی مستقیم به دادگاه به‌مثابه نهاد واحد رسیدگی‌کننده برای افراد فراهم آمد.

دیوان اروپایی حقوق بشر، در طول حیات پنجاه و اندی ساله‌اش قریب به بیست هزار حکم صادر کرده^۱ که طبق کنوانسیون برای دول عضو ذی‌ربط الزام‌آور بوده است. به تبع این الزام، دیوان توانسته است دول عضو را به سمتی سوق دهد که هم‌راستا با احکام صادره، دست به تغییرات عمده در عملکرد اداری، قضایی، اجرایی و تقنینی خود بزنند.^۲ همچنین، دیوان بر اساس ماده ۳۳ کنوانسیون، صلاحیت رسیدگی به دعاوی بین‌دولتی را دارد که از زمان تأسیس تاکنون حدود بیست پرونده را در بر می‌گیرد. در این پرونده‌ها، دولت خواهان مدعی نقض حق‌های بشری به دست دولت دیگر در خاک خود یا دیگری می‌شود که عمدتاً در زمان ایجاد بحران‌ها و مخاصمات مطرح می‌شوند. از اهم این نقض حق‌ها، اقدامات بازجویانه مقامات بریتانیایی در خلال درگیری‌های ایرلند شمالی بین سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ بود که به دو پرونده علیه بریتانیا منتهی شد.^۳ عملیات نظامی ترکیه در قبرس شمالی در سال ۱۹۷۴ و مخاصمات مسلحانه میان گرجستان و روسیه در سال ۲۰۰۸ و اخیراً اتفاقات شبه‌جزیره کریمه و اوکراین شرقی نیز نمونه‌های دیگر آن هستند. این ترتیبات دولتی‌های عضو را به‌خصوص هنگام منازعات مسلحانه با تعهدات حقوق بشری زیادی روبه‌رو کرده است.

بنابراین، بی‌گمان، این دیوان با بر جای نهادن یک رویه قضایی غنی و ارزشمند توانسته است دول عضو را به سمت پیروی از تصمیماتش کشانده و فراتر از آن، باعث شود همه اعضا تغییرات عمده‌ای را در نظام‌های داخلی خود، اعم از اجرایی، تقنینی یا قضایی رقم بزنند. لذا، این مقاله درصدد است تا نقش و تأثیر دیوان را در نظام‌های داخلی دول عضو و میزان تأثیرگذاری احکام صادره بر نظام‌های داخلی ارزیابی کند.

۱. از زمان تأسیس تا پایان سال ۲۰۱۶، این دیوان حدود ۱۹۵۰۰ حکم صادر کرده است. البته، بیش از یک‌چهارم این مقدار مربوط به دو دولت عضو، یعنی ترکیه (۳۲۷۰ حکم) و ایتالیا (۲۳۵۱ حکم) بوده است.

European Court of Human Rights, *Overview: 1959-2016*, March 2017, p. 3

Available at: http://www.echr.coe.int/Documents/Overview_19592016_ENG.pdf

2. European Court of Human Rights, *The Court in brief*, a brochure published on official website of ECHR. Available at:

http://www.echr.coe.int/Documents/Court_in_brief_ENG.pdf

3. Ireland v. United-Kingdom, (5310/71) and (5451/72), 01.10.1972.

۱. نقش دیوان در نظام حقوق بشری داخلی دولت‌های عضو

سازوکار رسیدگی دیوان، به خواهان‌ها و خود دیوان این قدرت را می‌دهد تا به دولت‌ها دیکته کند که در سیاست‌ها و عملکردهای حقوق بشری خود تغییر ایجاد کنند. از طرف دیگر، با پیش‌بینی سازوکار کمیته وزیران، مرجعی برای الزام هر عضو به اجرای تصمیمات دیوان فراهم آمده است. با این حال، باز هم فرایند اصلی انطباق با تصمیمات دیوان تقریباً در صحنه حقوق داخلی رقم می‌خورد.^۱

نباید از خاطر برد که بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دیوان صرفاً از صلاحیت احراز نقض برخوردار است و تنها دستور یا فرمان به تبعیت را می‌تواند در چارچوب ماده ۴۱ کنوانسیون صادر کند. در واقع، علی‌القاعده، دیوان، خود نمی‌تواند به ارائه راه‌حل بپردازد. با وجود این، دیوان ضمن تمایز دقیق قائل‌شدن میان قضاوت‌کردن و سیاست‌گذاری، توانسته است مشروعیت و قدرت اخلاقی خود را به‌مثابه نهادی قضایی حفظ کند^۲ و همچنین دست به مجموعه نوآوری‌ها در جهت تفسیرهای پویا و مترقیانه^۳ از ماده ۴۱ و اصدار تصمیماتی تأسیسی بزند و در نهایت، تأثیراتی عمده بر حقوق داخلی اعضا بگذارد.

احکام صادرشده از دیوان اروپایی حقوق بشر، می‌تواند به دو طریق بر سیاست‌های داخلی دول عضو تأثیر بگذارد: اولاً، تصمیمات دیوان و اقدامات مبتنی بر عدم تکرار که از آن احکام ناشی می‌شود، می‌تواند رویکردهای ملی حقوق بشری دولت‌ها را تغییر دهد؛ ثانیاً، احکام صادره متضمن پوشش و قدرتی سیاسی هستند که نهادهای داخلی برای اصلاحات حقوق بشری به آن نیاز دارند. با این توضیح که استفاده از این تصمیمات، توجیه و پشتوانه پیاده‌کردن برنامه‌های حقوق بشری آن‌ها است.

1. Hillebrecht, C., "The power of human rights tribunals: Compliance with the European Court of Human Rights and domestic policy change", *European Journal of International Relations* 20 (4), 2014: 1103

2. Hillebrecht, C., "Implementing International Human Rights Law at Home: Domestic Politics and the European Court of Human Rights", *Hum Rights Rev* 13, 2012: 281

۳. بنگرید به: محبی، محسن، اسماعیل سماوی، «نقش رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در تفسیر پویای معاهدات حقوق بشری»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۸، ۱۳۹۷، ص. ۹؛ و سادات اخوی، سیدعلی، نفیسه پارسانیا، «قواعد تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در پرتو رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۹، ۱۳۹۲، صص. ۱۳۳ - ۱۳۰.

تصمیمات دیوان و تعهدات ناشی از آن که دولت‌ها را ملزم به تغییر سیاست‌ها و عملکردهای خود می‌کند، می‌تواند دگرگونی چشمگیری در تصمیمات حقوق بشری داخلی محسوب شود و از آن مهم‌تر، می‌تواند کنترل تصمیمات حقوق بشری داخلی را از دستان نهاد اجرایی ستانده و به دیگر نهادهای داخلی همچون قوه قضائیه، قوه مقننه یا جامعه مدنی بسپارد.^۱

تصمیمات دیوان، به‌طور کلی نوعی دستورهای خارجی مشروع و معتبر در اصلاحات حقوق بشری تلقی می‌شود. دیوان از راه و روش‌های گوناگونی، از قدرت انحصاری خود در کسب اطلاعات مهم گرفته تا دستور صریح به دولت‌ها و توبیخ آن‌ها در قبال سوء رفتارشان، اعتبار و قدرت خود را به‌منزله یک نهاد حقوق بشری مشروع با نقش روشن و موثق در زمینه حمایت از حقوق بشر حفظ کرده و توسعه داده است.^۲ مشروعیتی که برای تصمیمات دیوان فرض می‌شود، پوششی سیاسی برای نهادهای داخلی هنگام اصلاحات حقوق بشری فراهم می‌آورد؛ یعنی نهادهای داخلی تغییرات به عمل آمده در حوزه حقوق بشر را با پشتوانه تصمیمات دیوان برای مخاطبان داخلی خود توجیه‌پذیر می‌کنند. این امر در کنار خاص بودن اقدامات مبتنی بر عدم تکرار که دولت را ملزم به پیروی از تصمیم دیوان هنگام قانون‌گذاری می‌کند، تصمیمات دیوان را به کانونی مبدل می‌سازد که نهادهای داخلی هنگام اصلاحات حقوق بشری صرفاً باید گرد آن بگردند.^۳

تغییر در تصمیمات حقوق بشری داخلی و ایجاد پوششی مشروع برای اصلاحات لازمه، دو سازوکار کلیدی است که دیوان اروپایی حقوق بشر به مدد آن می‌تواند بر حقوق داخلی دول عضو و عملکردها و سیاست‌های حقوق بشری آن‌ها اثر بگذارد و آن‌ها را به سمت تبعیت بکشاند. اما هیچ‌کدام از این فرایندها به‌طور خودکار رخ نمی‌دهند. برعکس، جریان تبعیت از احکام دیوان باید همراهی و همکاری نهادهای داخلی اعم از قوای تقنینی، قضایی و اجرایی و حتی جوامع مدنی را نیز به دنبال داشته باشد تا به ثمر نشیند. هرچند چنین همراهی از سوی نهادهای داخلی می‌تواند به دلیل وجود مخالفت‌ها، سلايق متنوع و تصمیمات متضاد، روند تبعیت را کندتر کند، شانس و

1. Hillebrecht, C., "The power of human rights tribunals: Compliance with the European Court of Human Rights and domestic policy change", *European Journal of International Relations* 20 (4), 2014: 1106

2. Allee, T. and Paul K. Huth, "Legitimizing dispute settlement: International legal rulings as domestic political cover", *American Political Science Review* 100(2), 2006: 219-234.

3. Hillebrecht, C., "The power of human rights tribunals: Compliance with the European Court of Human Rights and domestic policy change", *European Journal of International Relations* 20 (4), 2014: 1106

امکان متابعت از تصمیمات دیوان را از راه اجرای پسینی تصمیمات آن فزونی می‌بخشد. اتحاد و هم‌نوایی در تبعیت از تصمیمات دیوان، این امکان را که یک نهاد داخلی از زیر بار تعهدات خود مبنی بر پیروی از تصمیمات دیوان شانه خالی کند، کاهش می‌دهد. در عین حال، این اتحاد و همراهی، به اقدامات عینی تغییر در سیاست‌ها و عملکردها به‌منظور انطباق با تصمیمات دیوان می‌انجامد.^۱

با اصلاح ساختاری دیوان طی پروتکل شماره ۱۱ در سال ۱۹۹۴ تأثیر دیوان بر نظام‌های ملی به‌مراتب شدیدتر و دقیق‌تر شد و کارویژه کمیته وزیران نیز اختصاص به کنترل اجرای تصمیمات دیوان یافت که خود باعث تمرکز بیشتر این نهاد بر اجرای احکام دیوان از سوی کشورها شد. مهم‌ترین بخش از این اصلاحات، به حذف کمیسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین معرفی دیوان به‌مثابه یک نهاد دائمی برمی‌گردد^۲ که باعث شد این نظام واحد و دائمی نقش انحصاری‌تری در توسعه حقوق بشر مندرج در کنوانسیون ایفا کند. این پروتکل در واقع سازوکار نظارتی موقتی دیوان و کمیسیون را که پیش‌تر در کنوانسیون منعکس شده بود، به یک دادگاه واحد تمام‌وقت و دارای اقتدارات اجرایی تبدیل کرد. در سیستم جدید، تمام دادخواست‌های افراد مستقیماً به دادگاه ارجاع داده می‌شود و برخلاف سابق، کمیته وزیران صلاحیت ورود به ماهیت پرونده‌ها را ندارد.

تمام احکام قطعی دیوان در نظم نوین آن یک حکم الزام‌آور است که اجرای آن برای دولت خوانده یا محکوم علیه الزامی است. مسئولیت نظارت بر اجرای احکام صادره بر عهده کمیته وزیران شورای اروپا است که نقش بازوی اجرایی دیوان را بازی می‌کند. کمیته وزیران به بررسی این امر می‌پردازد که آیا دولت محکوم به نقض یکی از حق‌های مندرج در کنوانسیون، اقدامات جبرانی کافی در جهت انطباق با تکالیف مقرر در حکم دیوان اتخاذ کرده است یا خیر. کمیته وزیران در جهت اجرای احکام صادره، پرونده‌ها را بررسی می‌کند و در خصوص اجرا یا اجرا نکردن آن طی قطعنامه‌ای تصمیم می‌گیرد.^۳ کمیته در حال حاضر بالغ بر ۵۰۰۰ حکم در دست

1. Hillebrecht, C., "The power of human rights tribunals: Compliance with the European Court of Human Rights and domestic policy change", *European Journal of International Relations* 20 (4), 2014: 1106

2. ECtHR, Explanatory Report to Protocol No. 11 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, restructuring the control machinery established thereby, European Treaty Series - No. 155, Strasbourg, 11.V.1994, paras. 27-28

۳. جهت مشاهده تصمیمات کمیته وزیران به‌صورت موردی و مربوط به هر پرونده، بنگرید به نشانی زیر:
https://search.coe.int/cm/Pages/result_details.aspx?ObjectID=0900001680a17cad (last visited on: 10/10/2021)→

اجرا دارد و البته غالب پرونده‌هایی که بیش از ۱۰ سال بلااجرا مانده‌اند نیز مربوط به ترکیه، روسیه، اوکراین، رومانی، یونان و ایتالیا است. کمیته در هر پرونده از دولت مربوطه می‌خواهد که بی‌درنگ و به‌طور کامل به اجرای حکم دیوان بپردازد و به‌وسیله معرفی منابع کافی به ذی‌نفعان در حقوق داخلی و نهادهای پارلمانی ذی‌ربطی که به‌منظور نظارت بر رعایت کنوانسیون تأسیس شده‌اند، به این امر همت گمارد.^۱

۲. تأثیر آرای دیوان بر قوای حاکمه دولت‌های عضو

این بند به بررسی تأثیراتی می‌پردازد که احکام دیوان بر قوای تقنینی، اجرایی و قضایی دولت‌های عضو داشته و باعث تغییر نگرش یا رویکرد آنان شده است. در پی تصمیمات دیوان، اقداماتی از سوی قوای سه‌گانه در جهت انطباق با تصمیم صادره اتخاذ می‌شود که اصطلاحاً به آن «اقدامات کلی»^۲ گفته می‌شود. اقدامات کلی عبارت از کلیه پیش‌بینی‌ها و اقداماتی است که به‌منظور پیشگیری از وقوع نقض‌های مجدد و تکراری در یک دولت صورت می‌گیرد. این اقدامات می‌تواند شامل تغییر در رویه قضایی، تغییر در قوانین و مقررات و دیگر موارد مشابه باشد.^۳

۲.۱. تأثیر آرای دیوان بر نهادهای اجرایی

قوه مجریه هر دولت نقش بسیار منحصربه‌فردی در مسئله تبعیت از تصمیمات دیوان اروپایی حقوق بشر ایفا می‌کند. این قوه، در عین حال که بیشترین مسئولیت را در خصوص پیروی از تصمیمات دیوان دارد، نهادی است که بیش از دیگران در معرض مقوله انطباق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و تصمیمات دیوان قرار می‌گیرد. هنگامی که دیوان تصمیمی می‌گیرد، دستور یا تصمیم را خطاب به بخش اجرایی دولت صادر می‌کند که اغلب وزیر امور خارجه آن کشور یا

→ در وبسایت hudoc.echr.coe.int که پایگاه اطلاعاتی پرونده‌های دیوان محسوب می‌شود، در خصوص هر پرونده قطعنامه صادره از سوی کمیته وزیران مبنی بر اجرا یا اجرا نشدن رأی قابل دسترسی است. علاوه بر آن وبسایت، دیوان بخشی جداگانه مختص اطلاعات پرونده‌های اجرایی دارد که به نشانی زیر است:

<https://hudoc.exec.coe.int/ENG#%22EXECDocumentTypeCollection%22:%22CEC%22>
(last visited on: 10/10/2021)

1. Committee on Legal Affairs and Human Rights, The implementation of judgments of the European Court of Human Rights, Doc. 15123, 15 July 2020, p. 1

2 General Measures

3. 13th Annual Report of the Committee of Ministers, supervision of the execution of judgments and decisions of the European Court of Human Rights 2019, Council of Europe, 2020, pp. 89-90

نمایندگان دیپلماتیک آن‌ها در شهر استراسبورگ هستند. زمانی که حکمی صادر می‌شود، نهادهای اجرایی باید مسئولیت اجرای تصمیم را به دیگر نهادهای داخلی واگذار کنند یا منتظر بمانند تا خود آن‌ها جدای از قوه مجریه به‌طور داوطلبانه اجرا کنند.

انگیزه‌های متعددی برای قوای اجرایی در خصوص متابعت از تصمیمات دیوان تصور می‌شود. این انگیزه‌ها می‌تواند از جمله شامل، احساس تعهد شخصی به تقویت و پیشبرد اهداف حقوق بشری، نشان دادن التزام به حقوق بشر یا ورود تصمیمات دیوان به تغییرات سیاست حقوق بشری داخلی باشد. نهاد اجرایی همچنین می‌تواند از مشروعیت مفروض احکام دیوان به‌مثابه وسیله‌ای برای متقاعد کردن مخاطبان داخلی و شروع اصلاحات حقوق بشری بهره‌برد. از سوی دیگر، تصمیمات دیوان گاهی برای تدوین‌کنندگان مقررات حقوق بشری قوای اجرایی ایجاد سرمشق و الگو می‌کند؛ از آن جهت که ممکن است اولویت‌های حقوق بشری دیوان با قوه مجریه متفاوت بوده باشد. دستورهای دیوان با به تحرک واداشتن نهادهای داخلی، در واقع قوای مقننه و قضایی و جوامع مدنی را به یک برنامه و طرح اولیه مشروع و معتبر برای اصلاحات حقوق بشری مجهز می‌کند که گاه با برنامه‌های قوای اجرایی هم‌خوانی چندانی هم ندارد.^۱

احکام صادره از دیوان در موارد متعددی باعث تغییر در سیاست‌ها و عملکرد قوه مجریه شده است. برای مثال، در بریتانیا، هم دولت تونی بلر^۲ و هم دولت گوردون براون^۳ درصد نادیده‌گرفتن حق رأی‌دادن زندانیان بودند که حکمی از جانب دیوان آنان را سرخط خبرها قرار داد و وادار به پذیرش حقوق زندانیان در رأی‌دادن کرد.^۴ همچنین، در روسیه که از رفتار نیروهای امنیتی با شهروندان انتقاد می‌شد، در پی یک رأی^۵ در سال ۲۰۱۲ در نهایت ریاست جمهوری این کشور در سال ۲۰۱۵ با صدور فرمانی قانون موجود را تغییر داد.^۶ نمونه‌های دیگر اجرای تصمیمات دیوان به دست قوای اجرایی دولت‌های عضو را به‌طور خاص می‌توان هنگام صدور

1. Hillebrecht, C., "The power of human rights tribunals: Compliance with the European Court of Human Rights and domestic policy change", *European Journal of International Relations* 20 (4), 2014: 1107

2. Anthony Charles Lynton Blair (Tony Blair)

3. James Gordon Brown

4. Case of Hirst v. United Kingdom, Application 74025/01, ECtHR, 6 October 2005.

۵. به‌دنبال این پرونده:

Putintseva v. Russian Federation (33498/04) Judgment final on 10/08/2012

6. 13th Annual Report of the Committee of Ministers, supervision of the execution of judgments and decisions of the European Court of Human Rights 2019, Council of Europe, 2020, p. 45

دستور موقت از سوی دیوان مشاهده کرد. این دستورها که غالباً ماهیتی مبتنی بر سرعت دارند و ضرورت اجرای فوری آن‌ها احساس می‌شود، عمدتاً به دست قوای مجریه عملی می‌شوند.^۱

۲.۲. تأثیر آرای دیوان بر قوای مقننه

حتی مواقعی که قوای اجرایی خواستار اجرای تصمیمات دیوان باشند، به‌طور کلی قادر نخواهند بود بدون مشارکت دیگر نهادهای داخلی، همچون قوه مقننه، در جهت متابعت از تصمیم دیوان اقدام کاملی انجام دهند؛ به‌خصوص مواقعی که دستورهای مبتنی بر عدم تکرار نیازمند الغای قوانین قبلی و تصویب قوانین جدید باشد. نقض‌های صورت گرفته، گاه نتیجه وجود مقررات خاصی است که جز با تغییر آن نمی‌توان از تکرار آن‌گونه نقض جلوگیری کرد. مقررۀ مزبور می‌تواند یک آیین‌نامه ساده اجرایی باشد یا یک قانون عادی یا حتی قانون اساسی.

خود قانون‌گذار نیز به‌طور ویژه از تصمیمات مبتنی بر عدم تکرار متأثر می‌شود. این نهاد، این‌گونه دستورهای دیوان را همچون محرکی برای تصویب قوانین جدید به کار می‌برد. همان‌طور که گفته شده، مشروعیتی برای احکام دیوان فرض می‌شود. این مشروعیت می‌تواند پوششی برای قانون‌گذاران داخلی باشد تا شروع به اصلاحات دشوار حقوق بشری شود.^۲

مثالی که می‌توان برای این مورد ایراد کرد، بریتانیا است. پرونده‌های مربوط به امنیت ملی، مشکل‌ترین و پرهزینه‌ترین نمونه‌ها برای ورود حقوق بین‌الملل به سیاست‌های داخلی محسوب می‌شود.^۳ برای مثال، هنگامی که جرج بوش ایده «جنگ جهان با ترور»^۴ را مطرح کرد، بریتانیا در مقام متحد اصلی، نقش مهمی را در کمک به ایالات متحده و دستگیری مظنونین به تروریسم بازی کرد. پس از حمله به سیستم حمل‌ونقل لندن در سال ۲۰۰۵، برنامه جهانی جنگ با ترور عملاً به برنامه‌ای داخلی یا شاید محلی تبدیل شده بود و امنیت ملی مسئله اصلی بود. با وجود طرفداری گروه‌های متعدد از سرکوب تروریسم و افراط‌گرایی، دیوان اروپایی حقوق بشر

۱. بنگرید به: داشاب، مهریار، «دستور موقت و ضمانت اجرای آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیست‌ویکم، شماره ۴۶، ۱۳۸۹، صص. ۲۹۳ - ۲۷۴.

2. Druscilla, S., and Tracy Slagter, "Supranational Human Rights Adjudication and National Legislative Politics", Paper presented at the annual meeting of the International Studies Association Annual Conference "Global Governance: Political Authority in Transition", Le Centre Sheraton Montreal Hotel, MONTREAL, QUEBEC, CANADA, Mar 16, 2011

3. Hillebrecht, C., "Implementing International Human Rights Law at Home: Domestic Politics and the European Court of Human Rights", *Hum Rights Rev* 13, 2012: 293

4. Global War on Terror

محدودیت‌های شدیدی را بر اقدامات احتمالی دولت، حتی در صورت وجود تهدید برای امنیت ملی وارد کرد.^۱ یکی از پرونده‌های جنجالی که حاصل سیاست‌های پس از ۱۱ سپتامبر تونی بلر بود، پرونده «آ و دیگران علیه بریتانیا» بود. دیوان در این پرونده دریافت که بریتانیا به طور غیرقانونی مظنونین به تروریست را بازداشت کرده و فرصت‌های قانونی متناسب برای آن‌ها فراهم نیاورده است و در نتیجه، بندهای ۱ و ۴ ماده ۵ کنوانسیون راجع به بازداشت‌های خودسرانه و محرومیت از حقوق را نقض کرده است.^۲ طی چهار ماه از تاریخ صدور حکم دیوان، بریتانیا اقدام به پرداخت خسارت به ۹ نفر از ۱۱ خواهان کرد (دو نفر دیگر پیش‌تر کشور را ترک کرده بودند) و خواهان‌ها را از زندان‌های امنیتی آزاد کرد. از دو دولت الجزایر و اردن تضمین گرفته شد که در صورت اخراج شدن دو خواهانی که تبعه آن دو کشور هستند، با آنان بدرفتاری نشود و در نهایت، دستور اخراج صادر شد. بریتانیا همچنین اعلامیه راجع به عدول از مقررات کنوانسیون طبق ماده ۱۵^۳ را که در سال ۲۰۰۵ صادر کرده بود و مجموعه مقررات فوق‌العاده را که در خصوص مظنونین به تروریسم به اجرا درآمده بود، ملغا اعلام کرد.^۴ این تغییرات عمده همه در واقع خلاف با امنیت ملی بود، ولی بر اثر قدرت نفوذی که آرای دیوان داشت، به اجرا گذاشته شد. این روند در بریتانیا در طول سال‌های بعد نیز ادامه پیدا کرد و سعی در ایجاد تعادلی میان حمایت از حقوق بشر و حفظ امنیت ملی شد. می‌توان گفت که تصویب لایحه قانونی اقدامات تحقیقی و پیشگیری از تروریسم^۵ نتیجه همه آن تأثیرات و احساس فشاری بود که از سوی استراسبورگ تصور می‌شد.

علاوه بر مورد فوق، در موارد متعددی قوانین داخلی دولت‌ها متعاقب تصمیمات دیوان اصلاح شده است؛ به خصوص در زمینه‌هایی چون حقوق اقلیت‌ها، زندانیان، بیماران روانی و کودکان

1. Responding to Human Rights Judgments Government Response to the Joint Committee on Human Rights' Thirty-first Report of Session 2007-08, presented by Lord Chancellor and Secretary of State for Justice, January 2009

Available at:

<http://webarchive.nationalarchives.gov.uk/+http://www.justice.gov.uk/docs/responding-human-rights-judgments.pdf>

2. Case of A. and Others v. the United Kingdom, Application no. 3455/05, ECtHR, 2009, p. 93

۳. این ماده مربوط به امکان عدول از برخی مقررات کنوانسیون در شرایط حاد اجتماعی و امنیتی است که نمونه آن در ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز دیده می‌شود.

4. Hillebrecht, C., "Implementing International Human Rights Law at Home: Domestic Politics and the European Court of Human Rights", *Hum Rights Rev* 13, 2012: 295

5. Home Secretary, Prevention and Suppression of Terrorism, Terrorism Act 2000 (Remedial) Order 2011

ناشی از روابط آزاد و همچنین قوانین راجع به رسانه در بسیاری از کشورها اصلاحات عمده‌ای به عمل آمده است.^۱ برای مثال، قانون قبرسی مصوب فوریه ۲۰۰۷ در واکنش به قضیه عزیز علیه قبرس^۲ به تصویب رسید و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در انتخابات به اتباع قبرسی ترک‌تبار که ساکنان همیشگی قبرس بوده‌اند، داده شد.^۳ دیوان در مواردی، حتی تغییر قانون اساسی را نیز لازم دیده است. دیوان، در پرونده‌ای بیان کرد که «این کنوانسیون هیچ تمایزی از حیث نوع قوانین و مقررات قائل نیست و هیچ رکن یا بخشی از دول عضو را از بررسی شدن به موجب کنوانسیون استثنا نمی‌کند».^۴ این امر در عمل نیز مورد متابعت قرار گرفته است؛^۵ هرچند که گاه روند تغییر قوانین اساسی بسیار پیچیده و دشوار (مانند لزوم برگزاری رفراندوم) باشد.^۶ نمونه دیگر از تغییر قوانین به دنبال رأی دیوان در سال ۲۰۱۶ علیه استونی^۷ اتفاق افتاد. به موجب آن، دیوان برای زندانیان حق دسترسی به اطلاعات از طریق اینترنت قائل بود و دولت استونی قانون زندان‌ها را در سال ۲۰۱۹ اصلاح کرد. به موجب قانون جدید، زندانیان از حق دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی حقوقی بهره‌مند شدند.^۸ همچنین قانون جدید مالیات ۲۰۱۸ مجارستان که در پی رأی ۲۰۱۳ دیوان در پرونده «ان. کا. ام» علیه مجارستان^۹ اصلاح شد و تغییر قوانین ترکیه راجع به محرومیت محکومان به کیفر از حقوق اجتماعی به دنبال پرونده سویلر علیه این کشور^{۱۰}

۱. برای مثال، قانون اصلاح قانون رسانه مصوب پارلمان اتریش در سال ۲۰۰۵ (the Austrian Parliament's 2005 amendment to the Media Act: CM/ResDH (2007) 76 of 20 June 2007) در پی پرونده Case of A.T. v. Austria تصویب شد.

2. the Case of Aziz v. Cyprus, Application no. 69949/01, ECtHR, 22 June 2004.

3. CM/ResDH (2007) 77 of 20 June 2007.

4. ECtHR, United Communist Party of Turkey and others v. Turkey, 30 January 1998, paras. 29 and 30.

۵. برای مثال، اصلاح قوانین اساسی در پی پرونده‌های Demicoli v. Malta, Series A no. 210, judgment of 27 August 1991 and Resolution DH (95) 211 of 11 September 1995, and the judgment of 23 October 1995 in Paloro v. Austria, Series A no. 329-B, and Resolution DH (96) 150 of 15 May 1996 صورت گرفت.

۶. در ایرلند چنین امری اتفاق افتاد و متعاقب پرونده the Open Door and Dublin Well Woman v. Ireland judgment of 29 October 1992, Series A no. 246-A, and Resolution DH (96) 368. اصلاح شد و مردم نیز به آن رأی مثبت دادند.

7. Kalda v. Estonia (17429/10) Judgment final on 06/06/2016

8. 13th Annual Report of the Committee of Ministers, supervision of the execution of judgments and decisions of the European Court of Human Rights 2019, Council of Europe, 2020, p. 38

۹. به دنبال رأی زیر:

N.K.M. v. Hungary and 32 other cases (66529/11) Judgment final on 04/11/2013

10. Soyler v. Turkey and 1 other case (29411/07) Judgment final on 20/01/2014

که طی این اصلاحات محرومیت اجتماعی به محکومان جنایات بین‌المللی منحصر شد، از نمونه‌های این قانون‌گذاری‌ها است.^۱

موارد فوق، نمونه‌هایی از اجرای تصمیمات دیوان در قالب تغییر مقررات بود، اما این امر همیشه به‌سادگی تحقق نمی‌پذیرد؛ چراکه از یک‌سو، دولت‌ها اصولاً در خصوص تغییر قوانین خود اکراره دارند و از سوی دیگر، آرای دیوان گاه به‌روشنی این امر را از دولت محکوم نمی‌خواهد. اگر دیوان در تصمیمات خود تغییر مقررات داخلی را لازم بداند، باید به‌صراحت به این امر اشاره کند و اجرای رأی را به معنای تغییر قوانین بداند.^۲

به‌طور کلی، رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، وسیله‌ای پراهمیت برای دستیابی به نظم و ثبات در قانون‌گذاری‌های کشورهای مختلف بوده است. به‌علاوه، تصمیمات و آرای دیوان نمایندگان پارلمان را آگاه می‌سازد تا هنگام قانون‌نویسی به دستورها و رویه دیوان توجه کنند و قوانین را منطبق بر کنوانسیون تنظیم کنند تا از این طریق از چالش‌های آتی پیش رو در امان بمانند.^۳

۲.۳. تأثیر احکام دیوان بر نظام قضایی داخلی

تردیدی نیست که یکی از مهم‌ترین نهادهای داخلی که به‌مثابه قوای حاکمه داخلی بیشترین تأثیر را از تصمیمات دیوان می‌پذیرد، قوه قضائیه است. دادگاه‌ها چه با قاضی واحد یا هیئت قضات، از تصمیمات و رویه دیوان در فعالیت خود استفاده می‌کنند و در بسیاری موارد از تصمیمات دیوان به‌مثابه معیاری برای مشروعیت و صحت آرای خود، به‌خصوص در مواقعی که آرای آن‌ها با سیاست‌های کلی حقوق بشری دولت در تضاد باشد، استفاده می‌کنند. افراد نیز می‌توانند در نظام قضایی هر دولتی هنگام دادخواهی، از تصمیمات و رویه دیوان برای دفاع استفاده کنند.^۴ با این وصف، تأثیرات دیوان بر نظام قضایی تحت سه عنوان تأثیر بر ماهیت آراء،

۱. جهت ملاحظه اقدامات قانون‌گذاری که دولت‌ها برای تبعیت از احکام دیوان انجام داده‌اند، به گزارش‌های سالانه کمیته وزیران رجوع شود که نحوه اجرای رأی را به تفکیک کشورهای عضو بیان می‌دارد. این گزارش‌ها را می‌توان در نشانی زیر مشاهده کرد:

<https://www.coe.int/en/web/execution/annual-reports> (last visited on: 10/10/2021)

2. ECtHR, Second Section, *Tan v. Turkey*, 3 July 2007

3. Abdelgawad, E., *The execution of judgments of the European Court of Human Rights*, Strasbourg: Council of Europe Publishing (Human rights files, No. 19), 2008, p. 30

4. Powell, EJ and Staton JK, "Domestic judicial institutions and human rights treaty violation", *International Studies Quarterly* 53(1), 2009: 149-174.

تأثیر بر آیین دادرسی دادگاه‌ها و تأثیر مشورتی دیوان در صدور رأی طبق پروتکل شماره ۱۶ بررسی می‌شود.

۲.۳.۱. تأثیر احکام دیوان بر آرای دادگاه‌های داخلی

دیوان اروپایی حقوق بشر، به‌ویژه پس از اجرایی‌شدن پروتکل شماره ۱۱ الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، با وقوف بر مسئولیتی که کمیته وزیران در خصوص اجرای آرا دارد، خود نیز رأساً - و به نسبت سایر روش‌های جبرانی نظیر پرداخت غرامت - تأکید بیشتری بر اجرای آرا می‌کند.

دولت‌های دوالیست^۱ نظیر بریتانیا در قبال اجرای مستقیم آرای دیوان در نظام قضایی خود واکنش نشان داده‌اند، در حالی که دیگر اعضا نظیر ترکیه اقدام به معرفی مکانیسمی حقوق بشری در خصوص تجویز دادخواهی فردی نزد دادگاه‌های قانون اساسی خود کردند.

دادگاه قانونی اساسی فدرال^۲ آلمان در دو قضیه به بررسی رابطه میان دیوان اروپایی حقوق بشر و نظم حقوقی داخلی پرداخته است. در پرونده‌ای معروف به «حضانت والدین»، دادگاه قانون اساسی آلمان بیان داشت که محاکم این کشور تصمیمات دیوان اروپایی حقوق بشر را در مواردی به اجرا خواهند گذاشت که ثابت شود حقوق داخلی به‌وضوح نادرست بوده است.^۳ در این پرونده دیده می‌شود که دادگاه قانون اساسی آلمان دقیقاً عین استدلال دیوان را در مفاد رأی خود می‌گنجاند و در بررسی موضوع مطروحه از آن بهره می‌برد. اما در پرونده بازداشت‌های امنیتی با اینکه دیوان اظهار داشت که طولانی‌تر کردن بازداشت‌های محکومان پس از صدور حکم، منجر به نقض ماده ۷ کنوانسیون خواهد شد،^۴ دادگاه قانون اساسی آلمان این امر را مد نظر قرار نداد و حکمی دقیقاً برخلاف آن صادر کرد.^۵ این دادگاه بر این عقیده بود که بازداشت امنیتی بایستی از

1. dualist

2. the Federal Constitutional Court (In German: Bundesverfassungsgericht)

3. German Federal Constitutional Court, Case Nos. 1 BvL 20/99 & 1 BvR 933/01, Decision of 29 January 2003, 107 BVerfGE 150, 178 et seq. paras. 72

4. Case of M. v. Germany, ECtHR Application No. 19359/04, Judgment of 17 December 2009.

5. Sicherungsverwahrung, German Federal Constitutional Court, Case No. 2 BvR 2029/01, Decision of 5 February 2004, 109 BVerfGE 133.

بازداشت‌های به‌منزله مجازات متمایز شود؛ چراکه بازداشت‌های امنیتی از نظر آنان اقدامی پیشگیرانه بود، نه مجازات.^۱

نمونه‌های دیگری از تغییر رویه قضایی را می‌توان در خصوص کشور استونی راجع به دسترسی زندانیان به اطلاعات در پی رأی دیوان در قضیه کالدا علیه استونی،^۲ کشور کرواسی راجع به تغییر در رویه قضایی دیوان عالی و دادگاه قانون اساسی آن کشور در خصوص قانون اطلاعات و حق بر دادرسی منصفانه به دنبال رأی بوواک علیه این کشور^۳ مشاهده کرد.^۴ به‌طور کلی، محاکم داخلی در خصوص تأثیر مستقیم تصمیمات دیوان در نظرات و احکام خود مقاومت می‌کنند. آن‌ها در مواردی که لازم است رویه قضایی خود را تغییر دهند، به‌ندرت با استناد به آرای دیوان این کار را می‌کنند و معمولاً منتظر تصویب قوانین جدید می‌شوند. اما در مواردی دیده شده است که دادگاه‌های داخلی با تبعیت از تصمیم دیوان از آن تأثیر پذیرفته و آن را در رویه قضایی خود وارد کرده‌اند. با این حال، یکی از تأثیرات عمده‌ای که دیوان بر حقوق داخلی اعضا داشته و در واقع یکی از شیوه‌های اجرایی تصمیمات دیوان، تغییر در رویه قضایی محاکم داخلی است. احکام دیوان گاه در استدلال‌های حقوقی تصمیمات قضایی بالاترین محاکم داخلی دیده می‌شود و گاه نیز تنها نقشی زینتی را در آن تصمیمات بازی می‌کند و هیچ تحلیلی بر مبنای آن انجام نمی‌پذیرد.^۵

۲.۳.۲. تأثیر احکام دیوان بر آیین دادرسی داخلی

نمی‌توان نادیده گرفت که دیوان توانسته است نقشی بسزا، به‌ویژه در زمینه آیین دادرسی کیفری و مدنی، بر دول عضو داشته باشد. این نفوذ و تأثیر را می‌توان معلول سه عامل دانست:

1. Paulus, A., "From Implementation to Translation: Applying the ECtHR Judgments in the Domestic Legal Orders", in: Anja Seibert-Fohr and Mark E. Villiger (eds.), *Judgments of the European Court of Human Rights – Effects and Implementation*, Germany: Nomos Verlagsgesellschaft, 2014, pp. 267-284

2. *Kalda v. Estonia* (17429/10) Judgment final on 06/06/2016

3. *Buvač v. Croatia* (47685/13) Judgment final on 06/09/2018

۴. برای ملاحظه تفصیلی اقدامات دولت‌ها در جهت تغییر رویه قضایی داخلی بنگرید به:

13th Annual Report of the Committee of Ministers, supervision of the execution of judgments and decisions of the European Court of Human Rights 2019, Council of Europe, 2020, pp. 35-50

5. Chlebny, J., "How a National Judge Implements Judgments of the Strasbourg Court", in: Anja Seibert-Fohr and Mark E. Villiger (eds.), *Judgments of the European Court of Human Rights – Effects and Implementation*, Germany: Max Planck Institute, 2014, p. 237

الف) ساده‌کردن چیزی که در حقیقت موضوعی سخت و پیچیده تلقی می‌شد: اینکه آیین دادرسی دولت‌ها بر سبک اتهامی^۱ استوار بود، نه بر شیوه ترفعی^۲ حقوق کشورهای آنگلو ساکسون. دیوان در رویه قضایی خود راجع به مواد ۵ (حق بر آزادی و امنیت) و ۶ (حق بر دادرسی عادلانه) کنوانسیون به‌طور هدف‌دار نظام‌های دادرسی داخلی را به انتقاد گرفته است. این آرا به‌خصوص درباره دولت‌هایی نظیر اتریش، بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند و سوئیس بوده است. عمده این انتقادات به علت فقدان کلی اصولی چون بی‌طرفی، نبود شفافیت کافی در مرحله پیش از رسیدگی ماهوی، و تجمیع وظایف در مأمورانی بوده است که در مراحل مختلف دادرسی ثابت هستند. همه این عوامل با نظام ترفعی «کامن لا»^۳ عجین بوده است. اما دیوان به معرفی مدلی جدید از نوع مشارکتی می‌پردازد که می‌تواند مابین انواع کلاسیک قرار بگیرد.^۴ به هر تقدیر، رویه قضایی دیوان در زمینه آیین دادرسی هیچ‌گاه برای دولت‌ها به‌آسانی پذیرفتنی نبوده است و از آنجا که همواره اجرای تصمیمات دیوان در این زمینه مستلزم تغییرات بنیادین در ساختار قضایی هر کشور است، تأثیر دیوان در این حوزه بر دولت‌ها بسیار بالقوه و متغیر بوده است.^۵

ب) مورد دوم در خصوص برخی حقوق نظیر حق بر مالکیت است. از آنجا که خود کنوانسیون به حمایت از حق بر بهره‌مندی مسالمت‌آمیز از اموال نپرداخته است، دیوان دست به تفسیری موسع و گسترده از ضمانت‌های مربوط به دادرسی مندرج در بند اول ماده ۶ در پیوند با ماده ۱ پروتکل اول زده است و در نتیجه، موفق به تأمین حمایت گسترده‌تری از حق بر مالکیت شده است. این امر و دیگر موارد مشابه، باعث شده است که حقوق مدنی دارای دامنه بسیار وسیعی شوند و دقیقاً در مقابل رویکردهای مخالفی که در برخی کشورها نظیر آلمان، اتریش و سوئیس وجود دارد، قرار گیرند.

پ) مسئله سوم این است که تأکیدات دیوان بر ضمانت‌های آیین رسیدگی در حق مدعی‌علیه، در واقع بخشی از گرایش کلی به سمت مشروعیت در حقوق بین‌الملل است.

1. Accusatorial system

2. Adversarial system or adversary system

3 Common law

4. Jackson, J.D., "The Effect of Human Rights on Criminal Evidentiary Processes: Towards Convergence, Divergence or Realignment?", *Modern Law Review* 68/5, 2005: 764

5. Keller, H. and Sweet, A. Stone, "Assessing the Impact of the ECHR on National Legal Systems", *Faculty Scholarship Series. Paper 88*, 2008: 695

پس از مرحله نخست که حقوق ماهوی بشر گسترش یافت، جامعه بین‌المللی در حال حاضر بر جنبه‌های شکلی و آیین رسیدگی حق‌های بشری تمرکز دارد و اینکه نهادهای داخلی چگونه حقوق مزبور را اجرا می‌کنند، کانون توجه آن‌ها است. از دهه ۱۹۷۰، دانشگاهیان و قضات به‌منظور بالاتر بردن حقوق مربوط به رسیدگی تلاش و فعالیت کردند. در میان دادگاه‌های بین‌المللی، دیوان اروپایی حقوق بشر بیش از دیگران در خصوص این گرایش پیشرو و ثابت‌قدم بوده است. در واکنش به این تمایل نیز کشورهای متعددی تلاش‌های قانون‌گذاری بسیاری مبذول داشته‌اند تا شرایط و ضوابط شکلی اصل دادرسی عادلانه را مهیا سازند. از جمله این دولت‌ها می‌توان به اتریش، فرانسه، آلمان، ایتالیا، لهستان و اسلواکی اشاره کرد.^۱ برای مثال، هزینه دادرسی هر دادخواست در نظام قضایی کرواسی به‌طور خودکار محاسبه می‌شد و بر عهده خواهان بود. اما در پی پرونده «کلاز» علیه کرواسی،^۲ رویه قضایی دیوان عالی کشور کرواسی و دادگاه قانون اساسی آن در خصوص دریافت هزینه دادرسی به‌طور خودکار درباره دعوی افراد علیه دولت ناشی از سوءرفتار مأموران پلیس تغییر یافت و به دنبال آن، در جولای ۲۰۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی آن کشور اصلاح شد.^۳

۲.۳.۳. تأثیر پروتکل شماره ۱۶ بر آرای قضایی داخلی

با تصویب پروتکل شماره ۱۶ در دوم اکتبر ۲۰۱۳، صلاحیت دیوان به ارائه نظریه مشورتی به دادگاه‌های داخلی گسترش یافت.^۴ طبق ماده یک این پروتکل، عالی‌ترین مرجع قضایی داخلی هریک از کشورهای عضو می‌تواند راجع به تفسیر یا اجرای هر یک از مواد کنوانسیون در خصوص پرونده‌ای که نزد او مطرح است، تقاضای نظریه مشورتی کند.^۵

1. Keller, H. and Sweet, A. Stone, "Assessing the Impact of the ECHR on National Legal Systems", *Faculty Scholarship Series. Paper 88*, 2008: 696

2. Klauz v. Croatia and 1 other case (38458/15) Judgment final on 09/12/2013

3. 13th Annual Report of the Committee of Ministers, supervision of the execution of judgments and decisions of the European Court of Human Rights 2019, Council of Europe, 2020, p. 36

4. Protocol No. 16 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Council of Europe Treaty Series - No. 214.

5. پیرو این امر، برخی کشورهای عضو نظیر آلبانی، آندورا، ارمنستان، استونی، فنلاند، فرانسه، گرجستان، یونان، لیتوانی، هلند، سان مارینو، اسلونی و اوکراین طی اعلامیه‌هایی یک یا چند دادگاه داخلی خود را که صالح به تقاضای نظریه مشورتی هستند، به دیوان معرفی کرده‌اند.

آنچه مشخص است، تأثیر ایجاد این فرایند جدید بر روند دادرسی کشورهای عضو است. برای مثال، در برخی موارد باعث توقف دادرسی داخلی تا صدور نظریه مشورتی می‌شود یا به‌منظور انجام دقیق فرایند صدور نظریه مشورتی، دادگاه داخلی ملزم به ارائه اطلاعاتی دقیق از مراحل دادرسی و احياناً اشخاصی است که متعاقباً وارد فرایند دادرسی شده‌اند.^۱

هرچند وفق ماده ۵ پروتکل، نظریه‌های مشورتی الزام‌آور نیست، از مرجع درخواست‌کننده نظریه مشورتی انتظار می‌رود که دیوان را از پیامدها و تأثیرات نظریه مشورتی در دادرسی داخلی مطلع سازد و نسخه‌ای از حکم نهایی صادره خود را در آن پرونده برای دیوان ارسال کند.^۲ علاوه بر این، اصول راهنمایی که از سوی دیوان به‌منظور اجرای پروتکل شماره ۱۶ صادر شده است، به نحوی تنظیم شده که دیوان را در بررسی دوره‌ای اجرای اصول راهنمای مزبور از سوی دولت‌های عضو محق می‌کند.^۳ این امر از نظارت دقیق دیوان بر اجرای پروتکل شماره ۱۶ و نظریه‌های مشورتی صادره به‌رغم ماهیت غیر الزام‌آوری آن‌ها نشان دارد. از این رو، برخی متخصصان بر این باورند که ترتیبات جدید ذیل پروتکل شماره ۱۶، دیوان را قادر ساخته تا بر احکام دادگاه‌های داخلی تأثیرات بالقوه عمیق‌تری داشته باشد^۴ و خود دیوان نیز این نظر را تأیید می‌کند.^۵

۳. تأثیرات دیوان از حیث نهادی و ساختاری بر دولت‌های عضو

مقصود از تأثیرات نهادی یا ساختاری، آن بخش از هیمنه دیوان است که باعث ایجاد سازوکارهای اداری، اجرایی یا مدنی در نظام حقوقی داخلی به‌صورت اختصاصی برای اجرای تصمیمات دیوان شد. برای مثال، در بریتانیا، از جمله تأثیرات عمده‌ای که نظام داخلی این کشور

1. ECtHR, Guidelines on the implementation of the advisory-opinion procedure introduced by Protocol No. 16 to the Convention, approved by the Plenary Court on 18 September 2017 and has been updated on 18/10/2021, para. 21-22

2. ECtHR, Guidelines on the implementation of the advisory-opinion procedure introduced by Protocol No. 16 to the Convention, approved by the Plenary Court on 18 September 2017 and has been updated on 18/10/2021, para. 32

3. ECtHR, Guidelines on the implementation of the advisory-opinion procedure introduced by Protocol No. 16 to the Convention, approved by the Plenary Court on 18 September 2017 and has been updated on 18/10/2021, art. XIII

4. Gerards, Janneke, "Advisory Opinions, Preliminary Rulings, and the New Protocol No. 16 to the European Convention of Human Rights, a Comparative and Critical Appraisal", *Maastricht Journal of European and Comparative Law*, vol. 21, issue 4 (2014), p. 638-639

5. ECtHR, *Reflection Paper on the Proposal to Extend the Court's Advisory Jurisdiction*, N.D., para. 5

پس از تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۹۸)^۱ پذیرفته، تشکیل کمیته‌ای به نام «کمیته مشترک حقوق بشر»^۲ است. این کمیته اعضای مجلس عوام و مجلس اعیان را شامل می‌شود و کارویژه آن نظارت بر پیروی دولت از تصمیمات دیوان اروپایی حقوق بشر است. این کمیته نقش مهمی در زمینه نظارت بر متابعت از تصمیمات دیوان در سطح داخلی ایفا می‌کند.

در بریتانیا، پس از تصویب قانون حقوق بشر روزبه‌روز بر شمار و گستردگی جوامع و گروه‌های مدنی حقوق بشری افزوده می‌شود و همچنین طرح دعاوی حقوق بشری در محاکم بریتانیا بسیار افزایش یافته است.^۳ قطعاً، گسترش و توسعه نهادهای مدنی و پرونده‌های حقوق بشری بر اثر مستقیم ورود نظام کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به نظام داخلی و تأثیر تصمیمات دیوان اروپایی حقوق بشر بر فرهنگ حقوقی داخلی بوده است.

در بسیاری از دولت‌ها نظیر اتریش، بلژیک، فرانسه، ایتالیا، هلند، اسلواکی، اسپانیا و سوئیس، یکی از مأموریت‌های مشاوران حقوقی دولت، اظهار نظر راجع به انطباق لوایح پیشنهادی با کنوانسیون است. در بیشتر کشورها (به‌جز روسیه) یک یا دو کمیته پارلمانی تشکیل شده است که لوایح را از حیث مقررات کنوانسیون بررسی می‌کنند. در برخی کشورها (از جمله فرانسه، یونان، ایرلند و ایتالیا) نیز کمیته‌های حقوق بشر مستقلی تأسیس شده است که به قانون‌گذاران مشاوره می‌دهند. در اسپانیا و لهستان، یک آمبودزمان برای این کار در نظر گرفته شده است که نهادهای تقنینی و اجرایی را راهنمایی می‌کند. اگر یک لایحه در تضاد با تصمیمات دیوان باشد، بلااعتبار قلمداد می‌شود.^۴

1. the Human Rights Act 1998 (HRA)

The full text is available at: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1998/42/contents>

2. Joint Committee on Human Rights (JCHR)

3. Griffith, J., "The open conspiracy - How the government is politicizing the judiciary", *TLS-TIMES L* 5116, 2001: 16-17

4. Sweet, A. Stone and Keller, H., "Assessing the Impact of the ECHR on National Legal Systems", *Faculty Scholarship Series. Paper* 88, 2008: 686-687

نتیجه‌گیری

دیوان اروپایی حقوق بشر در طول فعالیت خود توانسته ضمن بر جای نهادن رویه‌ای غنی از موضوعات حقوق بشری که به نسبت سایر نهادهای مشابه پیشروتر و دقیق‌تر است، موفق به اثرگذاری شگرف و چشمگیری بر نظام‌های حقوقی داخلی کشورهای عضو شود؛ به نحوی که قوانین داخلی یا رویه قضایی یا عملکرد قوای اجرایی دولت‌های عضو، به تبع تصمیمات دیوان و اقدامات اجرایی کمیته وزیران تغییر یافته یا اصلاح و تعدیل شده است.

اثرگذاری دیوان بر نظام‌های حقوقی داخلی صرفاً متوجه اقدامات قانون‌گذارانه یا تغییر در عملکرد نیست و کشورهای عضو بخشی از فرهنگ حقوق بشری خود را دنباله‌روی از نظریات و آموزه‌های دیوان می‌دانند. آن‌ها هنگام تصمیم‌سازی‌ها یا سیاست‌گذاری‌ها همواره گوشه چشمی به استراسبورگ دارند که این خود باعث ارتقای حمایت از حق‌های فردی در جامعه اروپایی شده و حقوق بشر منعکس در کنوانسیون را از حمایت و ضمانت اجرای چشمگیری برخوردار کرده است. دیوان در رویه خود موجب توسعه حقوق مندرج در کنوانسیون شده است. منظور از توسعه، هم از حیث افزایش دایره حمایت با معرفی مفاهیم جدید نظیر توسعه مفاهیمی چون حکمرانی مطلوب و حکومت قانون، و هم از حیث تدقیق و جزئی‌تر کردن حق‌های موجود نظیر حق بر حریم خصوصی یا حق بر آزادی‌های فردی است. همه این‌ها بالتبع، در نظام‌های داخلی نیز وارد شده است و کشورهای عضو، خود را مقید به پیروی از آن یافته و در نتیجه با وارد کردن مفاهیم یا جزئیات مزبور در نظام قانون‌گذاری خود، به تمینات دیوان جامعه عمل پوشانده‌اند.

هرچند در عمل برخی دولت‌ها با اکراه به تصمیمات اتخاذی از سوی دیوان گردن می‌نهند و گاه دیده شده که عملکرد حقوق بشری برخی دولت‌ها چندان قابل دفاع به نظر نمی‌رسد یا سیاست‌های دولت به گونه‌ای است که در مقابل خواسته‌های حقوق بشری دیوان و بالتبع جوامع مدنی گردن‌فرازی می‌کند. برای مثال، هنوز پرونده‌هایی هستند که بیش از ده سال نزد کمیته وزیران مفتوح بوده و به اجرا در نیامده است، اما باید اذعان کرد که من حیث المجموع، دیوان اروپایی حقوق بشر طی بیش از نیم‌قرن فعالیت، تأثیری بسزا و عمده بر نظام حقوق بشری داخلی دولت‌ها نهاده است. همچنین، می‌توان تصدیق کرد که این مرجع قضایی، هم بر کیفیت نظام حقوق بشری داخلی افزوده و هم به اعتلای حقوق بشر در قاره اروپا کمک شایانی کرده است؛ امری که کارنامه حقوق بشری این قاره را به نسبت دیگران قوی‌تر کرده است. ضمن اینکه،

دیوان اروپایی حقوق بشر توانسته است کنوانسیون را به سندی زنده در حمایت از حقوق بشر و رویارویی با چالش‌های نوین مبدل کند و برای استقرار نظم و حاکمیت قانون و دموکراسی در اروپا پشتوانه‌ی سترگی باشد و هم‌سویی چشمگیری نیز میان عملکرد داخلی و بین‌المللی کشورهای عضو ایجاد کند.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. داشاب، مه‌ریار، **دستور موقت و ضمانت اجرای آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر**، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیست‌ویکم، شماره ۴۶، ۱۳۸۹، صص. ۲۷۳ - ۲۹۷.
۲. زمانی، سید قاسم، سیدعلی حسینی‌آزاد، **تأملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لیلا شاهین**، مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۶، ۱۳۹۳، صص. ۶۰ - ۳۵.
۳. سادات اخوی، سیدعلی، نفیسه پارسانیا، **قواعد تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در پرتو رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر**، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۹، ۱۳۹۲، صص. ۱۴۴ - ۱۲۷.
۴. محبی، محسن، اسماعیل سماوی، **نقش رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در تفسیر پویای معاهدات حقوق بشری**، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۸، ۱۳۹۷، صص. ۳۰ - ۷.

منابع انگلیسی

Books

5. Duxbury, A., *The Participation of States in International Organisations: The Role of Human Rights and Democracy*, Cambridge: Cambridge University Press, 2011
6. Abdelgawad, E., *The execution of judgments of the European Court of Human Rights*, Strasbourg: Council of Europe Publishing (Human rights files, No. 19), 2008.
7. Goldsmith, J.L. and Posner EA, *The Limits of International Law*, Oxford: Oxford University Press, 2005
8. Renucci, J., *Introduction to the European Convention on Human Rights: The rights guaranteed and the protection mechanism*, Strasbourg: Council of Europe Publishing, 2005.

Articles

9. Allee, T. and Paul K. Huth, "Legitimizing dispute settlement: International

- legal rulings as domestic political cover”, *American Political Science Review* 100(2), 2006
10. Chlebny, J., “How a National Judge Implements Judgments of the Strasbourg Court”, in: Anja Seibert-Fohr and Mark E. Villiger (eds), *Judgments of the European Court of Human Rights – Effects and Implementation*, Germany: Max Planck Institute, 2014.
 11. Druscilla, S., and Tracy Slagter, “Supranational Human Rights Adjudication and National Legislative Politics”, Paper presented at the annual meeting of the International Studies Association Annual Conference "*Global Governance: Political Authority in Transition*", Le Centre Sheraton Montreal Hotel, MONTREAL, QUEBEC, CANADA, Mar 16, 2011 <Not Available>. 2014-11-26
<http://citation.allacademic.com/meta/p499024_index.html>
 12. Fearon, J., “Bargaining, enforcement and international cooperation”, *International Organization* 52(2), 1998
 13. Finnemore, M. and Toope, SJ, “Alternative views to ‘legalization’: Richer views of law and politics”, *International Organization* 55(3), 2001
 14. Finnemore, M., “Norms, culture, and world politics: Insights from sociology’s institutionalism”, *International Organization* 50(2), 1996
 15. Gerards, Janneke, “Advisory Opinions, Preliminary Rulings, and the New Protocol No. 16 to the European Convention of Human Rights, a Comparative and Critical Appraisal”, *Maastricht Journal of European and Comparative Law*, vol. 21, issue 4, 2014
 16. Griffith, J., “*The open conspiracy - How the government is politicizing the judiciary*”, *TLS-TIMES L* 5116, 2001.
 17. Hillebrecht, C., “Implementing International Human Rights Law at Home: Domestic Politics and the European Court of Human Rights”, *Hum Rights Rev* 13, 2012
 18. Hillebrecht, C., “The power of human rights tribunals: Compliance with the European Court of Human Rights and domestic policy change”, *European Journal of International Relations* 20 (4), 2014
 19. Hunt, M., “State obligations following from a Judgment of the European Court of Human Rights”, In: Christou T, Raymond JP (eds) *European Court of Human Rights: remedies and execution of judgments*, London: British Institute of International and Comparative Law, 2005

20. Jackson, J.D., "The Effect of Human Rights on Criminal Evidentiary Processes: Towards Convergence, Divergence or Realignment?", *Modern Law Review* 68/5, 2005.
21. Keller, H. and Sweet, A. Stone, "Assessing the Impact of the ECHR on National Legal Systems", *Faculty Scholarship Series. Paper 88*, 2008
22. Paulus, A., "From Implementation to Translation: Applying the ECtHR Judgments in the Domestic Legal Orders", in: Anja Seibert-Fohr and Mark E. Villiger (eds.), *Judgments of the European Court of Human Rights – Effects and Implementation*, Germany: Nomos Verlagsgesellschaft, 2014
23. Powell, EJ and Staton JK, "Domestic judicial institutions and human rights treaty violation", *International Studies Quarterly* 53(1), 2009
24. Villiger, M., "Binding Effect and Declaratory Nature of the Judgments of the European Court of Human Rights: An Overview", in: Anja Seibert-Fohr and Mark E. Villiger (eds.), *Judgments of the European Court of Human Rights – Effects and Implementation*, Germany: Nomos Verlagsgesellschaft, 2014

International documents

25. ECtHR, Explanatory Report to Protocol No. 11 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, restructuring the control machinery established thereby, European Treaty Series - No. 155, Strasbourg, 11.V.1994
26. ECtHR, Guidelines on the implementation of the advisory-opinion procedure introduced by Protocol No. 16 to the Convention, approved by the Plenary Court on 18 September 2017 and has been updated on 18/10/2021
27. Protocol No. 11 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, restructuring the control machinery established thereby, Strasbourg, 11/05/1994, entry into force: 01/11/1998
28. Protocol No. 16 to the Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Council of Europe Treaty Series - No. 214
29. Recommendation No. R (2000) 2 of the Committee of Ministers to member states on the re-examination or reopening of certain cases at domestic level following judgments of the European Court of Human Rights, Adopted by the Committee of Ministers on 19 January 2000 at the 694th meeting of the Ministers' Deputies. Available at: http://sutyajnik.ru/rus/cases/law/Recommendation_No_R_2000_2_eng.htm

30. The Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (ECHR)

National Documents

31. German Federal Constitutional Court, Case Nos. 1 BvL 20/99 & 1 BvR 933/01, Decision of 29 January 2003, 107 BVerfGE 150, 178 et seq.
32. Home Secretary (2011) Prevention and Suppression of Terrorism, Terrorism Act 2000 (Remedial) Order 2011
33. Responding to Human Rights Judgment, Government Response to the Joint Committee on Human Rights' Thirty-first Report of Session 2007-08, presented by Lord Chancellor and Secretary of State for Justice, January 2009. Available at:
<http://webarchive.nationalarchives.gov.uk/+http://www.justice.gov.uk/docs/responding-human-rights-judgments.pdf>
34. Sicherungsverwahrung, German Federal Constitutional Court, Case No. 2 BvR 2029/01, Decision of 5 February 2004, 109 BVerfGE 133.
35. the (British) Human Rights Act 1998 (HRA). The full text is available at:
<http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1998/42/contents>
36. the Austrian Parliament's 2005 amendment to the Media Act: CM/ResDH (2007) 76 of 20 June 2007

Official Reports

37. Overview: 1959-2016, ECHR, European Court of Human Rights, March 2017. Available at:
http://www.echr.coe.int/Documents/Overview_19592016_ENG.pdf
38. The Court in brief, a brochure published on official website of ECHR. Available at:
http://www.echr.coe.int/Documents/Court_in_brief_ENG.pdf
39. Committee of Ministers of the Council of Europe (2011) Supervision of the Execution of Judgments and Decisions of the European Court of Human Rights: Annual Report 2011. Strasbourg, France: Council of Europe.
40. Ministers' Deputies (2004) 897 DH Meeting, 28-29 September 2004: Responses in the Event of Slow or Negligent Execution of Non-Execution of Judgments of the European Court of Human Rights. Strasbourg, France: Council of Europe.
41. 13th Annual Report of the Committee of Ministers, supervision of the execution of judgments and decisions of the European Court of Human

Rights 2019, Council of Europe, 2020

42. Committee on Legal Affairs and Human Rights, The implementation of judgments of the European Court of Human Rights, Doc. 15123, 15 July 2020
43. ECtHR, *Reflection Paper on the Proposal to Extend the Court's Advisory Jurisdiction*, N.D.

Case Law

44. Case of A. and Others v. the United Kingdom, Application no. 3455/05, ECtHR, 19 February 2009
45. Case of A.T. v. Austria, Application no. 32636/96, ECtHR, 21 March 2002
46. Case of Annoni di Gussola and Others v. France, Applications nos. 31819/96 and 33293/96, ECtHR, 14 November 2000
47. Case of Aziz v. Cyprus, Application no. 69949/01, ECtHR, 22 June 2004.
48. Case of Buvač v. Croatia (47685/13) Judgment final on 06/09/2018
49. Case of Chevrol v. France, Application no. 49636/99, ECtHR, 13 February 2003
50. Case of De Cubber v. Belgium, Application no. 9186/80, ECtHR, 26 October 1984.
51. Case of Gencel v. Turkey, Application No. 53431/99, ECtHR, 23 October 2003.
52. Case of Hirst v. United Kingdom, Application 74025/01, ECtHR, 6 October 2005.
53. Case of Ireland v. United-Kingdom, (5310/71) and (5451/72), 01.10.1972
54. Case of Kalda v. Estonia (17429/10) Judgment final on 06/06/2016
55. Case of Klauz v. Croatia and 1 other case (38458/15) Judgment final on 09/12/2013
56. Case of M. v. Germany, Application No. 19359/04, ECtHR, 17 December 2009.
57. Case of McLeod v. the United Kingdom, Application No(s). 24755/94, ECtHR, 23/09/1998.
58. Case of N.K.M. v. Hungary and 32 other cases (66529/11) Judgment final on 04/11/2013
59. Case of Oleksandr Volkov v. Ukraine, Application No. 21722/11, ECtHR, 9 January 2013.
60. Case of Putintseva v. Russian Federation (33498/04) Judgment final on 10/08/2012

61. Case of Soyler v. Turkey and 1 other case (29411/07) Judgment final on 20/01/2014
62. Case of Sporrang and Lönnroth v. Sweden, Application No(s). 7151/75, ECtHR, 23/09/1982
63. Case of Tan v. Turkey, Application no. 9460/03, ECtHR, 3 July 2007
64. Case of United Communist Party of Turkey and others v. Turkey, Application no. 19392/92 ECtHR, 30 January 1998.
65. Case of Van Mechelen and others v. the Netherlands, App. No(s). 21363/93, 21364/93, 21427/93 & 22056/93, ECtHR, 23 April 1997.